

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: محبت اهل بیت(ع)

ایجاد انگیزه :

بحث در تحلیل شعارهای عاشورا می باشد ؛ یعنی رجزها و شعرهایی که امام حسین(ع)، اصحاب و بنی هاشم خواندند.

ابتدا رجزی را از نافع بن هلال نقل می کنیم. او غیر از هلال ابن نافع است که از سپاهیان عمر بن سعد و گزارشگر کربلاست.

شخصیت نافع بن هلال

نافع بن هلال مرادی بجلي، از اصحاب خاص امیرالمؤمنین(ع) است و شخصیتی است که در مسیر کاروان اباعبدالله(ع) به امام حسین(ع) پیوست. وقتی حرلشکر ابی عبدالله(ع) را متوقف کرد ایشان با سه نفر دیگر خدمت آقا رسیدند؛ البته حر مانع شد و گفت: من اجازه نمی دهم کسی به شما ملحق شود؛ امام فرمود: این ها از اول هم با ما بودند و الآن به ما رسیده اند(۱): تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۰۴؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۵۳؛ البدایة و النهایة، ج ۸، ص ۱۷۳).

نافع بن هلال با ابی عبدالله(ع) آمد و این همان کسی است که دو سه مرتبه آب آورده است.(۲): الاخبار الطول، ص ۲۵۵؛ بغیة الطالب فی تاریخ حلب، ج ۶، ص ۲۶۲۷).

حتی بعضی ها گفته اند: شب عاشورا هم موفق شد یک مقدار آب برای خیمه های ابی عبدالله(ع) بیاورد. منتها تشنگی روز عاشورا خیلی شدید بوده است.

شب عاشورا وقتی ابی عبدالله(ع) سخنرانی مفصلی کرد، فرمود: فردا همه شهید می شوید هر کسی هم می خواهد، می تواند برود. هر کسی یک چیزی گفت.

متن و محتوا :

نافع گفت:

« والله ما کرهنا لقاء ربنا»

به خدا قسم ما از مرگ نمی ترسیم.

کسی که از مرگ نترسد هیچ تهدیدی برای او کارساز نیست. اصحاب امام حسین(ع) جان باختند و جانشان را کنار گذاشته بودند؛ فقط فکر می کردند چقدر بیشتر می شود از دشمنان را کشت و از امام حسین(ع) دفاع کرد.

بعد گفت: یا بن رسول الله!

«أنا علی نیاتنا و بصائرنا»؛

ما با آگاهی آمدیم و نیتمان هم خدایی است.

هر چیزی که با آگاهی باشد، محکم و استوار است.

هر چیزی که با آگاهی باشد، محکم و استوار است. شما اگر دین را با آگاهی پذیرفتید و نماز را با فهم خواندید و عزاداری با شعور و فهم انجام دادید، هر چقدر هم علیه امام حسین(ع) و دین تبلیغ کنند، از دست نمی رود چون محکم است. لذا دینتان را از روی جهل نپذیرید.

و بعد فرمود:

«نوالی من والاک و نعدی من عاداک»؛ (۱: اللهوف، ص ۸۰؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱؛ عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۷، ص ۲۳۲).

تولی و تبری داریم هر کسی با شما است دوستش هستیم و هر کسی هم دشمن شماست با او تعارف نداریم.

و این را هم اثبات کرد.

### علی بن قرظه

یک جوانی روز عاشورا به نام عمرو بن قرظه شهید شد. برادرش به نام علی بن قرظه در سپاه عمر بن سعد بود. او به امام حسین(ع) اعتراض کرد و گفت: «أضلت أخی»؛ برادرم را گمراه کردی.

آقا فرمود: که برادرت هدایت شد و تو گمراه هستی. گفت: من کاری با این کارها ندارم؛ نمی میرم تا شما را بکشم. نافع ایستاده بود شمشیر کشید و حمله کرد با یک ضربه او را به درک واصل کرد و همان جا این برادر هم کشته شد. (۲: تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۳۴؛ أنساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۹۹؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۶۵).

نافع بن هلال دوازده تیر داشت و دوازده نفر را هم با آن کشت. وقتی دیگر تیرهایش تمام شد با شمشیر آمد؛ خیلی ها را کشت و مجروح کرد ولی از پشت سر جفت بازوهایش را شکستند و شمشیر و سپرش افتاد؛ و او

را از پشت دستگیر کردند. شمر گفت: او را نکشید من او را نزد عمر بن سعد ببرم. چون عمر بن سعد خیلی ناراحت شد که دوازده نفر از آدم‌های بنام لشکرش را، نافع کشته بود. او را نزد عمر بن سعد خبیث آوردند. رو به عمر بن سعد کرد و گفت: اولاً دوازده نفر از لشکریان تو را با تیر کشتم، آمار آنهایی را هم که با شمشیر کشتم و مجروح کردم ندارم. حالا هم بازوهایم شکسته است و الا شما نمی‌توانستید من را دستگیر کنید.

عمر بن سعد به شمر گفت: تو او را بکش. شمر وقتی شمشیرش را بلند کرد، نافع گفت:

«الحمد لله الذي جعل منايانا على دي شرار خلقه» (۱: تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۴۱؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۶۸؛ البدایة و النهایه، ج ۸، ص ۱۸۴).

خدا را شکر می‌کنم که بدترین آدم روی زمین دارد من را می‌کشد.

### رجز نافع بن هلال

نافع به میدان آمد و دو بیت رجز خواند که در یک بیت خودش را و در بیت دیگر مذهبش را معرفی کرد:

أنا الغلام اليمنى البجلى      دینی علی دین حسین بن علی

أضربکم ضرب غلام بطل      و یختم الله بخیر عملی (۲: المناقب، ج ۴، ص ۱۰۴)

پیامی که این رجز دارد یعنی دین دو رکن دارد: تَوَلَّى و تَبَرَّى. ما باید سه چیز را دوست داشته باشیم: ۱- اعتقادات و اندیشه، ۲- شخصیت‌هایی که آن اندیشه را آورده‌اند، ۳- عمل کرد و رفتاری که آنها داشته‌اند.

شخصی به علامه امینی گفت: ما خدا و پیامبر(ص) را قبول داریم، ائمه (ع) را هم قبول داریم و همه را دوست داریم اما اگر ابوالفضل العباس(ع) را دوست نداشته باشیم اشکال دارد؟

ایشان خیلی ناراحت شد، گفت: ابوالفضل العباس که سهل است اگر من امینی را هم قبول نداشته باشی دینت خراب است؛ چون من هم دارم اسلام را ترویج می‌کنم.

### دعای امام سجاد(ع)

امام سجاد(ع) می‌گوید: خدایا! سه چیز به من بده:

۱- «أَسْأَلُكَ حَبِّكَ»؛ این که تو را دوست داشته باشم؛

۲- «و حب من یحبک»؛ حب آن‌هایی که تو را دوست دارند؛

۳- «حب کل عمل یوصلنی إلی قریب»؛ (۱: بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۱۴۹). آن کارهایی که تو دوست داری و باعث می‌شود نزد تو محبوب شوم آنها را هم دوست داشته باشم؛ یعنی اعتقاد به اندیشه صحیح، شخصیت‌ها و عمل.

## داستان

در زمان امام عسکری (ع) دزدی را گرفتند که آمده بود از صرافی دزدی کند. مأموران حکومت عباسی تا او را دستگیر کردند، گفت: من از شیعیان امام عسکری (ع) هستم. گفتند: به احترام امام عسکری تو را خدمت آقا می‌بریم.

امام عسکری (ع) فرمود:

«شیعتنا هم الذین یتبعون آثارنا، و یطیعونا فی جمیع أوامرنا فأولئک شیعتنا»؛

شیعه ما کسی است که حرف ما را گوش می‌دهد و به عمل ما متعبد است.

«و من خالفنا فی کثیر مما فرضه الله فلیس من شیعتنا» (۲: الخرائج، ج ۲، ص ۶۸۴؛

الدرالنظیم، ص ۷۴۳)؛

کسی واجب خدا را زیر پا بگذارد و حرام خدا را زیر پا بگذارد شیعه ما نیست.

پیام رجز نافع، حب و بغض است؛ یعنی معلوم کنید از چه کسی خوشتان می‌آید و از چه کسی بدتان می‌آید. اولین کلمه‌ای را که پیامبر (ص) تعلیم داد در آن تولی و تبری است. «فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله» (۱: بقره، ۲۵۶)؛ این مهم است.

## محشور شدن با محبوب

وجود مقدس پیامبر گرامی اسلام (ص) نشسته بود شخصی وارد شد. گفت: یا رسول‌الله! «متی الساعة»؛ چه زمانی قیامت می‌شود؟!؛

پیامبر (ص) فرمود: چه چیزی برای قیامت آماده کردی که سؤال می‌کنی؟ گفت هیچ؛ من یک نمازی خواندم و روزه‌ای گرفتم اما مستحبات و اعمال فراوانی ندارم. یک مسلمان حداقلی هستم ولی یک ویژگی دارم و آن این که شما را خیلی دوست دارم و قلبم پر از محبت شماست.

پیامبر (ص) فرمود:

## «أنت مع من أحببت»

(۲): عن أنس بن مالك أن رجلا سأل النبي (ص) متى الساعة يا رسول الله قال فقال ما أعددت لها قال ما أعددت لها من كثير صلاة و لا صيام و لا صدقه لكن أحب الله و رسوله قال أنت مع من أحببت» عمدة عيون صحاح الاخبار في مناقب امام الأبرار، ص ۲۷۹).

تو با کسی هستی که دوستش داری.

هر کسی هر چیزی را دوست دارد با آن محشور می‌شود.

پیام رجز نافع بن هلالی تولی و تبری است.

## ویژگی‌های محبان اهل بیت(ع)

امام صادق(ع) فرمود: محبین ما سه دسته هستند.(۱): برای مطالعه بیشتر در رابطه با این حدیث به ذیل عنوان ولایت مداری مراجعه شود.

۱- «طبقة أحبونا فى العلانية و لم يحبونا فى السر»؛ دسته اول آشکارا و در حضور ما را دوست دارند اما در سر و خفاء محب ما نیستند.

اسلام دین فصلی نیست، محبت تبعیضی نیست مهم این است که در خفاء هم محبت باشد. اگر یک عده‌ای این طور شدند محب ضعیف هستند.

۲- «طبقة أحبونا فى العلانية و لم يحبونا فى السر»؛ دسته دوم در خفاء ما را دوست دارند و نماز شب می‌خوانند و دنبال گناه معصیت نمی‌روند ولی به مجلس امام حسین(ع) نمی‌آیند و می‌گویند: محبت قلبی است. یعنی در حضور و اجتماع خوب نیستند اما در سرآیمان را می‌خواهند. این هم کامل نیست بالاخره حفظ شعائر هم لازم است.

زراره از امام باقر(ع) پرسید: شخصی کارهایی در حضور مردم انجام می‌دهد و خوشحال می‌شود. این ریا است؟ آقا فرمود: نه.(۲): عن أبی جعفر(ع) قال: سألته عن الرجل يعمل الشیء من الخیر فیراه إنسان فیسره ذلك فقال لا بأس ما من أحد إلا و هم یحب أن یظهر له فى الناس الخیر إذا لم یکن صنع ذلك لذلك)؛(الکافی، ج ۲، ص ۲۹۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷۵؛ بحار الانوار، ج ۶۹ ص ۲۹۴).

اسحاق بن عمار پولدار بود و صدقه می‌داد. آمد انفاق آشکار را تعطیل کرد. مخفیانه یک منشی استخدام کرد به فقرا کمک کند. در درب خانه‌اش دربانى گذاشت تا فقرای شیعه را از در خانه او دور کند.

بعد از مدتی امام صادق(ع) او را در مکه دید و فرمود: چرا این کار را کردی؟ گفت: از شهرت و ریا می‌ترسم. فرمود: نمی‌دانم وقتی دو نفر یکدیگر را ملاقات می‌کنند خداوند صد رحمت بر آنان فرود می‌فرستد. «۳: عن محمد بن سلیمان عن إسحاق بن عمار قال لما كثر مالي أجلست علي بابي بواباً يرد عني فقراء الشيعة فخرجت إلى مكة في تلك السنة فد خلت علي أبي عبدالله(ع) فسلمت عليه فرد علي بوجه قاطب مزورا فقلت له جعلت فداك ما الذي غير لي حالى عندك قال الذى غيرك للمؤمنين - قلت جعلت فداك و الله إنى لأعلم أنهم على دين الله ولكنى خشيت الشهرة على نفسى قال يا إسحاق أما علمت أن المؤمنين إذا التقيا فتصافحا - أنزل الله بينهما مائة رحمة تشع و تشعون منها لأشدهما حبا لصاحبه فإذا اعتنقا غمرتهما الرحمة» (مشكاة الانوار، ص ۱۰۳؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۲۳).

لذا قرآن می‌فرماید: مخفی و آشکار انفاق می‌کنند. (۱: بقره: ۲۷۱)؛ دسته سوم کسانی هستند که هم آشکار و هم در خفاء ما را دوست دارند. این‌ها نزد خدا اعظم و والا هستند و تعدادشان هم کم است.